

# پژوهشنامه حقوق کیفری

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

صفحات ۸۳-۶۵

## بررسی تطبیقی پیشگیری وضعی از جرم ارتشا در حقوق ایران و کنوانسیون

مریدا

دکتر سید حسین حسینی ✉

استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

محمد مسعود ملازمیان

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

### چکیده

پیشگیری غیر کیفری، یکی از رویکردهای مهم سیاست جنایی محسوب می‌شود. پیشگیری وضعی به لحاظ تأثیر بر موقعیت‌های جرم‌زا تأثیر بسزایی در کاهش بزهکاری دارد. مطالعه حقوق ایران و کنوانسیون مریدا، اهمیت این نوع پیشگیری را به خوبی مشخص می‌نماید. تکنیک‌های حفاظت از بزه دیده یا آماج بالقوه جرم، دشوار کردن ارتکاب جرم از طریق دشوار سازی دسترسی به آماج بالقوه و کنترل ابزار ارتکاب جرم و... موادی را در کنوانسیون مریدا و قوانین ایران به خود اختصاص داده‌اند. با این همه فقدان نهاد تخصصی و قانون جامع و مانع در پیشگیری در حقوق ایران به خوبی احساس می‌شود و نیاز به این اقدامات را بیش از پیش نمایان می‌سازد. اما نیل به این منظور، ضرورت تطبیق جایگاه پیشگیری وضعی از جرم ارتشا در حقوق ایران و کنوانسیون مریدا را نمایان تر می‌کند. موضوعی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلید واژه‌ها:** پیشگیری وضعی، فساد مالی، ارتشا، کنوانسیون مریدا، جرایم اقتصادی.

۱۳۹۲/۱۱/۴

تاریخ دریافت:

۱۳۹۴/۴/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

Shosseini@ferdowsi.um.ac.ir

یکی از رویکردهای سیاست جنایی که در سالهای اخیر بیشتر مورد توجه حقوقدانان کیفری و جرم‌شناسان قرار گرفته، پیشگیری از وقوع جرایم است. لطمات و هزینه‌های اقتصادی که ارتکاب جرایم مختلف بر دولت‌ها بار نموده، آنها را بر آن داشته تا نسبت به اندیشیدن راهکارهایی جهت حذف این معضلات و هم‌زمان از بین بردن یا به حداقل رسانیدن ارتکاب جرایم با پیشگیری از وقوع آنها ترغیب شوند. پیشگیری غیر کیفری، خود به دو نوع پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی تقسیم می‌شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳: ۵۶۹) و هر یک اصول و شرایط خاص خود را دارد. در این میان پیشگیری وضعی که ناظر بر موقعیت‌های قبل از ارتکاب جرم و از بین بردن آنها به جهت حذف ارتکاب جرم است، با توجه به رویکردهای جدید در جرم‌شناسی و کیفرشناسی از جمله رویکرد مدیریتی خطر مدار به جرایم، دارای اهمیت بسیاری می‌باشد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸: ۷۳۰). چرا که از رهگذر آن، می‌توان موقعیت‌های جرم‌زا و همچنین افراد دارای تمایلات مجرمانه را کنترل نمود. تعاریف متعددی از پیشگیری وضعی ارائه شده است که از جمله می‌توان آن را «تغییر در موقعیت‌های خاصی که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است به منظور دشوار کردن، پرخطر کردن یا جاذبه زدایی برای کسانی که قصد ارتکاب دارند» تعریف کرد. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۸۹) به عبارت دیگر در پیشگیری وضعی که مبنای نظری آن در جرم‌شناسی، وضعیت ماقبل بزهکاری است، ما با فرایند گذار از اندیشه به عمل روبرو می‌باشیم و خواستار تغییر وضعیت مشرف بر ارتکاب جرم هستیم تا بدینوسیله فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه قطع و متوقف شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۰: ۷۵۳).

جرایم و مفاسد اقتصادی نظیر ارتشا در دهه‌های اخیر به لحاظ منافع مالی سرشار آن، رشد قابل توجهی در سطح جهان داشته است و از طرق و روش‌های مختلف نظیر جرایم سازمان یافته فراملی، قاچاق مواد مخدر و تسلیحات و ... منافع مالی زیادی را نصیب مرتکبین ساخته است. این مهم قانونگذار ایرانی را وادار ساخته که در سال‌های اخیر فساد را تعریف نماید. به استناد بند الف ماده یک قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، «هرگونه فعل یا ترک فعلی که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشا و ارتشا، ...» اطلاق می‌شود، گرچه کنوانسیون مریدا تعریفی از واژه فساد ارائه ننموده، مصادیق فساد را جامع‌تر از تعریف

قانونگذار ایرانی برشمرده است. بنابر این جرم ارتشا، یکی از جرایمی است که به دلیل امکان تاثیرگذاری در نظام اقتصادی نه تنها در زمره جرایم و مفسد اقتصادی قرار می‌گیرد، بلکه می‌توان آن را از مهم‌ترین مصادیق فساد مالی و اقتصادی دانست (حسینی و بهره‌مند، ۱۳۹۱: ۱۲۸ و دادخدایی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). که در اسناد بین‌المللی نیز مورد تاکید قرار گرفته است و در واقع عنوان فساد، یک عنوان کلی است که مصادیقی از جمله ارتشا را دارا می‌باشد (دادخدایی، همان: ۸۲). رویکرد غیر اقتصادی، این جرم دارای سابقه بسیار طولانی در تاریخ زندگی بشر است و همواره سبب تحریک افکار عمومی می‌شده و عمدتاً مختص کارکنان دولت و کارگزاران حکومت است (ساک، ۱۳۹۰: ۴۰۰). در این رویکرد، ارتشا را معمولاً «به معنی اخذ وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال از سوی ماموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی و سایر افراد مذکور در قانون برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آنها» دانسته‌اند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۱: ۳۶۵). مسلم است که رواج جرم ارتشا در هر جامعه‌ای، آسیب‌های اجتماعی فراوانی را به دنبال خواهد داشت که اهمیت این آسیب‌ها، لزوم توجه خاص به این جرم و اهمیت دادن به بحث پیشگیری از جمله پیشگیری وضعی در جرم ارتشا را توجیه می‌کند. در حقوق ایران به لحاظ مبنای فقهی، این جرم مواجه با اختلاف نظرهایی بوده است. قولی ارتشا را مختص قضات و قول دیگر به غیر قضات نیز توسعه داده است. آثار این اختلاف در اراده قانونگذار تاثیر و در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با عبارت «در حکم ارتشا» آن را نمایان ساخته است، با بررسی سوابق فقهی، به نظر می‌رسد ایراد خاصی در تسری این جرم به غیر قضات وجود نداشته و بایستی رویکرد پیشگیرانه وضعی محمول به مفهوم موسع ارتشا باشد (ملازمیان، ۱۳۸۶: ۸۳ و ۸۴). قانون اساسی نیز در بند ۵ اصل ۱۵۶، پیشگیری از جرم را به عنوان یک محور اساسی وظایف قوه قضائیه می‌داند (صفاری، ۱۳۹۰: ۲۷۰) اجمال مفهومی فساد اقتصادی از یک سو و الزام قانون اساسی در توجه به رویکرد پیشگیری ایجاب می‌کند که نظام حقوقی ایران تکنیک‌های پیشگیری از پدیده شوم مظاهر فساد مانند ارتشا را منسجم تر و هماهنگ تر ارائه نماید. شایسته است این مهم با تصویب قانون پیشگیری از جرم و تعیین نهاد اختصاصی این امر، جامه عمل بپوشد. توجه به پیشگیری از جرم و فساد را در وجود «کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» و «کنگره‌های پنج سالانه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان در سازمان ملل متحد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۶۲) و یا ابتکار قانونگذار فرانسه در سال ۱۹۹۳ و تشکیل مرکز اختصاصی جلوگیری از جرم رشوه در این کشور (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۴۴) می‌توان جستجو نمود.

اهمیت پیشگیری از جرایم مبتنی بر فساد مالی و اقتصادی در سطح جهان، تا بدان جاست که هم زمان با تهیه و تدوین کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی در سال ۲۰۰۰ میلادی (پالمو)، بحث های زیادی در خصوص فساد مالی و ارتشا و پیشگیری از آن مطرح شد (باقرزاده، ۱۳۸۳: ۱۸) و با توافقات صورت گرفته بین کشورها در سال ۲۰۰۳ میلادی شاهد تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) هستیم. این کنوانسیون در ۱۹ آذر ماه ۱۳۸۲ به امضای دولت جمهوری اسلامی ایران رسید و به موجب قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۹، ایران به این کنوانسیون ملحق شده است (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۸۵۶۳، سال ۶۴، تاریخ ۱۳۸۷/۸/۲۹). اگر هم این مقدار اقدام حقوقی ایران به کنوانسیون مریدا ارزش قانونی بدهد، امکان اجرای کنوانسیون مزبور فراهم نشده و ضروری است از طریق قوانین عادی دیگری موجبات پذیرش مفاد آن فراهم شود.

در ماده ۱ این کنوانسیون شاهد توجه به پیشگیری غیر کیفری در کنار اقدامات کیفری برای مبارزه با فساد هستیم (لانگست، ۱۳۸۷: ۱۵) و در بیان اهداف آن در بندهای الف و ب با عبارات «ارتقا و تحکیم اقدامات جهت پیشگیری و مبارزه موثرتر و کارا تر با فساد» و همچنین «ارتقا، تسهیل، و حمایت از همکاری های بین المللی و کمک های فنی در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد از جمله باز گرداندن دارایی ها»، تأکید اصلی خود را بر محور پیشگیری، به عنوان یکی از مهم ترین راه های کنترل جرم (صفاری، همان: ۲۶۸) نشان داده است. بررسی جایگاه پیشگیری وضعی در قبال جرم ارتشا و با رویکرد تطبیقی حقوق ایران و کنوانسیون مریدا، میزان الزامات و پای بندی تدابیر پیشگیرانه در کشور را نشان می دهد. تکیه بر تکنیک های پیشگیری وضعی، و مطالعه وجوه اشتراک و افتراق موجود بر اساس پیشینه تحقیق، موانع و چالش های موجود در جهت اجرای کامل مفاد کنوانسیون در کشور، اهمیت موضوع را نمایان می سازد. بررسی جرم ارتشا از طریق تکنیک های پیشگیری وضعی سنتی-فنی (بخش اول) و همچنین تکنیک های پیشگیری وضعی فن آوران (بخش دوم) با توجه به پیشرفت فن آوری اطلاعات کمک شایانی به مطالعه تطبیقی که موضوع اصلی مقاله را تشکیل می دهد، خواهد نمود.

برای پیشگیری وضعی تکنیک ها و روش های مختلفی وجود دارد. با توجه به ارتباط برخی تکنیک ها با جرم ارتشا و با توجه به این که تحولات و پیشرفت های تکنولوژی و فن آوری اطلاعات در سال های اخیر مورد استفاده جرم شناسی نیز قرار گرفته است، بررسی

تکنیک‌های پیشگیری وضعی در قوانین ایران و کنوانسیون مریدا با تفکیک این تکنیک‌ها زیر دو عنوان پیشگیری وضعی سنتی- فنی و پیشگیری وضعی فن آورانه بررسی می‌نماییم.

### ۱. پیشگیری وضعی سنتی- فنی

رویکرد موقعیت مدار در پیشگیری وضعی سنتی- فنی از جایگاه قابل بررسی برخوردار است. در این رویکرد با استفاده از راهکارها و روش‌های سنتی و عمومی جهت کاهش موقعیت‌های جرم‌زا اقدام می‌شود. به عبارت دیگر، در این رویکرد تکیه بر ابزارها و منابع انسانی و غیر سیستماتیک است. ارتباط جرم ارتشا با مصادیق این رویکرد حایز اهمیت بوده که به بررسی آن می‌پردازیم.

#### ۱.۱. حفاظت یا تقویت حمایت از بزه دیده یا آماج بالقوه جرم

در پیشگیری وضعی، اوضاع و احوال و وضعیت‌های پیش‌جنایی که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهند، مورد توجه و اقدامات خاص قرار می‌گیرند. بزه دیده یا آماج جرم از جمله این موقعیت‌ها قلمداد می‌شود (نجفی ابرند آبادی، همان: ۵۸۰). یکی از مصادیق حفاظت و حمایت از بزه دیده، می‌تواند آگاه‌سازی و دادن اطلاعات و آموزش‌های لازم به شهروندان باشد (دادخدایی، همان: ۲۶۳). از این طریق اشخاص جامعه با اطلاع از حقوق خود و همچنین خطرات احتمالی، می‌توانند اقدامات مؤثری را در خصوص پیشگیری و برهم زدن موقعیت‌های جرم‌زا، از خود بروز دهند.

کنوانسیون مریدا، ضمن تاکید بر بالا بردن میزان آگاهی و شناخت افراد جامعه در خصوص فساد مالی، در قسمت‌های «الف، ب و پ» بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون مریدا، به مواردی به عنوان نمونه از این دست اقدامات اشاره نموده‌اند که کشورهای عضو طبق اصول قانون اساسی خود باید آنها را به مرحله اجرا در آورند. بند «الف» مذکور در این زمینه به «توزیع عمومی اطلاعات مربوط به تشریفات کار پردازی و قراردادهای از جمله اطلاعات مربوط به دعوت برای مناقصه و اطلاعات مربوط درباره جایزه قراردادهای که برای مناقصه‌گذاران بالقوه وقت کافی را فراهم می‌آورد تا پیشنهادهای مناقصه خود را تهیه و ارائه دهند» و بند «ب» نیز به «برقراری شرایط مشارکت از جمله گزینش و معیار پاداش و مقررات مناقصه و انتشار آنها از قبل» و همچنین بند «پ» به «استفاده از اهداف و معیارهای از پیش تعیین شده جهت تصمیمات مربوط به کار پردازی دولتی به منظور تسهیل تایید بعدی اجرای درست مقررات یا تشریفات»، اشاره دارند که تمامی آنها به نحوی در آگاه‌سازی افراد از روند صحیح امور و تشریفات قانونی، موثر بوده و می‌تواند موقعیت‌های جرم‌زا را از بین ببرد. در

ادامه بند ۲ ماده ۱۳ کنوانسیون نیز به دولت‌های عضو توصیه و تأکید نموده تا اقدامات لازم و کافی را جهت شناسایی نهادهای ضد فساد برای مردم تأمین نمایند. طبیعی است با چنین تدابیری، افراد جامعه به جهت عدم اطلاع از مقررات و تشریفات، مجبور نخواهند شد تا به جهت رسیدن به حقوق خود و یا اجرای امور شخصی و یا شغلی خود، اقدام به پرداخت رشوه به کارگزاران مربوطه که درصدد سوء استفاده از این وضعیت هستند، نمایند و به عبارت دیگر از آماج بالقوه جرم در برابر مرتکب، حفاظت به عمل آمده است. در حقوق ایران مقررات کم و بیش مشابهی عمدتاً در سالهای اخیر تصویب شده‌اند که در مجموع هدف مورد بحث را مد نظر قرار داده اند و از جمله آنها می‌توان به بند «الف» ماده ۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره نمود که مقرر نموده کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات مرتبط با حقوق شهروندی و شرح وظایف دستگاههای مختلف و... باید در دیدارگاههای الکترونیک به اطلاع عموم برسد. بند «الف» ماده ۸ قانون مذکور به عنوان مثال موانع مرتبطی را پیش‌بینی و مقرر نموده است تا «تدوین سیاست‌ها و راهکارهای شفاف سازی اطلاعات و استقرار و تقویت نظام های اطلاعاتی و استاندارد سازی امور و مستند نمودن فعالیت های دستگاههای اجرایی برای ثبت و ضبط شفاف و جامع کلیه اطلاعات...» اجرایی گردد.

بند «د» قسمت ۱ ماده ۲۱۲ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ در زمینه امور قضایی، آموزش‌های همگانی را از جمله وظایف قوه قضائیه و سازمان صدا و سیما قرار داده است. ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۹/۵/۳۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز حق دسترسی عمومی به اطلاعات را به رسمیت شناخته است. علاوه بر این موارد، در بندهای ۱۰ و ۱۱ ماده ۳ آیین نامه مرجع ملی و نهاد هماهنگی کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ هیئت وزیران، مساعدت به دستگاه‌های اجرایی و سازمان های مردم نهاد و بخش خصوصی به منظور آموزش و تقویت آگاهی‌های عمومی در جهت مبارزه با فساد، از وظایف مرجع ملی دانسته شده است. این مرجع به استناد بند ب ماده ۱ این آیین نامه، وزارت دادگستری به عنوان نهاد هماهنگ کننده است. گرچه همسویی مقررات داخلی با کنوانسیون مریدا، در خصوص پیشگیری وضعی از جرایم مبتنی بر فساد از جمله ارتشا، البته در حد قانون گذاری مشاهده می‌شود، ولی جهت ریشه کن شدن یا به حداقل رسانیدن ارتکاب این جرم، اجرای دقیق و اصولی این قوانین ضروری می‌باشد.

## ۲.۱. جلوگیری از تعارض منافع

تعارض منافع از جمله زمینه های بروز فساد است که در صورت عدم توجه و فقدان ضمانت اجراهای مناسب، می تواند به ارتکاب فساد منجر شود. (شمس ناتری و توسلی زاده، همان: ۲۰۱) بطور طبیعی در جرم ارتشا نیز تعارض منافع شخصی فرد با منافع شغلی و اداری او وجود دارد. بنابر این با توجه به پذیرش این اصل که یکی از راهکارهای مورد توجه در پیشگیری وضعی، تغییر وضعیت های ماقبل بزهکاری و پیش جنایی است (نجفی ابرند آبادی، همان: ۵۸۰)، توجه به این مهم ضروری می نماید تا جلوگیری از این وضعیت به پیشگیری از ارتشا منتهی گردد.

در کنوانسیون مریدا می توان به بند ۴ ماده ۷ اشاره نمود که به دولت های عضو توصیه می نماید تا طبق اصول اساسی قوانین داخلی خود، تلاش کنند تا نظام هایی را که شفافیت را ارتقا می دهد و از تعارض منافع جلوگیری می کند، اتخاذ کرده و در صورت وجود از قبل، آنها را حفظ کرده و تحکیم بخشند. در همین راستا در بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون، مصداق هایی دیگر از شفاف سازی و رفع تعارض منافع، به عنوان یک عامل پیشگیرانه وضعی آمده است که به دولت های عضو توصیه شده تا اقدامات و نظام های مورد نیاز مقامات دولتی را جهت فعالیت های بیرونی خود، استخدام، سرمایه گذاری، ذخایر مالی و هدایای کلان یا منافع که ممکن است از آن، تضاد منافع در رابطه با وظایف آنها به عنوان مقامات دولتی بروز کند، تهیه و فراهم نمایند. کنوانسیون از بخش خصوصی نیز با توجه به رشد روز افزون آن در عرصه اقتصاد ملی و بین المللی، غافل نشده است. در حقوق ایران، جرم ارتشا جایگاهی در بخش خصوصی ندارد. بدین جهت اجرایی شدن توصیه های کنوانسیون مریدا در این بخش در حال حاضر منتفی است. با توجه به تغییر سیاست های کلی اقتصادی که جهت گیری به بخش خصوصی را هدف گذاری نموده است، ایجاد می کند تدابیر پیشگیرانه از جرم ارتشا محدود به نوع دولتی نشده و با جرم انگاری در نوع خصوصی، راهکارهای پیشگیری وضعی نیز پیش بینی شود (رجب، ۱۳۹۰: ۳۴۵). در ماده ۱۲ و از جمله قسمت های مختلف بند ۲ آن، تدابیر پیشگیرنده وضعی از جمله رفع تعارض منافع و شفافیت در فعالیت های این بخش را به عنوان عاملی مانع ارتکاب فساد و از جمله ارتشا پیش بینی نموده است. قسمت «پ» بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون نیز از زاویه ای دیگر، عاملی پیشگیرنده در فساد مالی و ارتشا به دست می دهد و آن عبارت از اینست که دولت های عضو مکلف به ارائه راهکارهایی شده اند که طی آن با در نظر گرفتن سطح توسعه اقتصادی کشور عضو، معیارهای پرداخت برابر و پاداش را ارتقا دهد.

اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مدّ نظر قرار دادن منافع دولت و جامعه و جلوگیری از ایجاد تعارض منافع در میان مقامات و مسئولین دولتی، ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل دولتی را تصویب نموده است. به موجب این اصل «رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.»

در همین راستا، ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱، مفاد اصل ۱۴۱ قانون اساسی را با جزئیاتی بیشتر بیان نموده است. اصل وجود چنین محدودیتی برای مقامات مذکور، صحیح و قابل تقدیر است چرا که از اقدامات احتمالی بر مبنای ترجیح سود و نفع خود بر منافع ملی پیشگیری می‌نماید، ولی آنچه مورد ابهام است نحوه به کار بستن این مقررات در خصوص کارمندان دولتی می‌باشد. گذشته از آن در قانون اساسی و ماده واحده به عضویت در هیئت مدیره و مدیر عاملی انواع شرکت های خصوصی اشاره شده است، ولی در جایی که افراد به صورت انفرادی به مشاغلی دیگر اشتغال دارند و بعضاً در تعارض و تضاد با منافع شغل دولتی آنها است، قانون ساکت است.

لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ را نیز می‌توان مصداق دیگری از روش‌های پیشگیری وضعی در جرایم مبتنی بر فساد مالی و ارتشا دانست. به موجب این قانون، اشخاصی که دارای سمت‌های دولتی و کشوری هستند و همچنین کارمندان و سایر اشخاصی که به نحوی از دولت حقوق یا مقرّری یا ... دریافت می‌کنند، نمی‌توانند طرف معاملات دولتی و کشوری واقع شده و یا در این معاملات دخالت کنند. وجود این قانون و ممنوعیت مذکور در آن، نقش مهمّی در پیشگیری از جرایم اقتصادی دارد، زیرا افراد دارای اقتدار سیاسی ممکن است از این جایگاه و موقعیت، بهره برداری خصوصی کرده و با ترجیح منافع فردی بر منافع عمومی، زمینه ایجاد فساد مالی و ارتشا را فراهم سازند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۷۳). نکته مهمّ در این قانون، تبصره ۱ ماده ۱ می‌باشد که دامنه ممنوعیت را به اقربای کارمند نظیر پدر و مادر و برادر و خواهر و... تسری داده است تا از ورود غیر مستقیم جلوگیری به عمل آید.



بر اساس قانون ممنوعیت اخذ پور سانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷، اخذ هرگونه پور سانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با معاملات خارجی قوای سه گانه، سازمان ها، شرکت ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری ها و کلیه تشکیلات وابسته به آنها ممنوع است و علاوه بر ردّ پور سانت، مجازات حبس نیز برای مرتکب در نظر گرفته شده است. این قانون نیز در زمینه پیشگیری از فساد و ارتشا و جلوگیری از تقدم منافع فردی بر منافع ملی و دولتی، مهمّ و تأثیر گذار است.

ماده ۱۸ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد نیز هر نوع فعالیت اقتصادی مستقیم یا غیر مستقیم را برای دستگاه های دولتی و عمومی که در وظایف و اختیارات آنها، چنین فعالیت هایی پیش بینی نشده، ممنوع نموده است تا از این رهگذر، زمینه ورود دستگاه ها به برخی رقابت های ناسالم و سوء استفاده از موقعیت ایجاد نگردد.

### ۳.۱. اعلام دارایی مقامات

اعلام دارایی به مردم یا نهادها و مراجع خاص در مورد برخی مقامات کشورها، می تواند یکی از راهکارهای پیشگیری از فساد مالی و از جمله ارتشا باشد. چرا که بدین ترتیب همواره نظارت و بررسی خواهد شد تا چنانچه دارایی یک مقام عمومی به صورت غیر معمول و غیر منطقی افزایش یافته باشد، اقدامات لازم در خصوص منبع آن و از حیث قانونی بودن یا قانونی نبودن آن صورت پذیرد.

در بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون مریدا، هر چند به صورت غیر صریح، به این مهم اشاره شده و تأکید گردیده تا با ارسال اظهاریه هایی این مورد جنبه عملی به خود گیرد. طبیعتاً الزام تمام افراد دولت به این امر ممکن و قابل اجرا نبوده و صرفاً برای اشخاصی که در سطح خاصی از ارشدیت قرار دارند، قابل اجرا است (لانگست، همان: ۳۶۹).

اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با پذیرش این راهکار پیشگیری وضعی، اعلام می نماید که «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.» البته ضمن وجود نقیصه هایی در این خصوص، امکانات و ساز و کارهای خاص و کافی جهت اجرای این مسئله پیش بینی نشده است (رحیمی نژاد، ۱۳۹۲: ۲۱۵). قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹ نیز بر مبنای روش پیشگیری فوق، وضع گردیده است. طبق این قانون، وزرا و معاونان و سایر کارمندان دولت اعم از

کشوری و لشکری یا شهرداری‌ها یا دستگاه‌های وابسته به آنها و اعضای انجمن‌های شهر و کارمندان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا هر مؤسسه دیگر که اکثریت سرمایه یا منافع آن متعلق به دولت یا سایر مؤسسات مذکور است و یا نظارت یا اداره یا مدیریت آن مؤسسات با دولت است و همچنین کلیه کسانی که از خزانه دولت یا از مؤسسات مذکور پاداشی دریافت می‌دارند به استثنای بازنشستگان یا کسانی که وظیفه یا مستمری قانونی دارند، مکلف هستند صورت دارایی و درآمد خود و همسر و فرزندان را که قانوناً تحت ولایت آنها هستند، به مراجعی که طبق تصویب نامه هیئت وزیران تعیین خواهد شد، تسلیم و رسید دریافت دارند. با وجود این که شناسایی روش‌های پیشگیری از طریق اعلام دارایی در متون قانونی امری پسندیده است، ولی قلمروی اجرایی آن به طور محدود پیش‌بینی شده است. از این روی ضرورت تسری قلمرو اعلام دارایی به برخی مقامات و مشاغل در حوزه‌های دارای خطر احساس می‌شود (حسینی، همان: ۱۷۳). این ایراد، قانون گذار را به بررسی طرح قانونی توسعه قلمروی اجرای اصل ۱۴۲ قانون اساسی واداشت که به دلیل مغایرت صریح با اصل مذکور و مخالفت شورای نگهبان، هم اکنون موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال بررسی است. در این صورت نیز سیستم نظارتی و ساز و کارهای پیشگیری بایستی در مرکز تخصصی نهادینه شود تا موقعیت ارتکاب جرم به طور مطمئن‌تری از گروه‌های مورد نظر سلب شود. باید در نظر داشت که تا زمان تصویب چنین قانونی، در مورد مدیریت پیشگیری از جرم، موازی کاری و اقدام هر یک از نهادهای دولتی با توجه به طرز تلقی صنفی و سازمانی خود در امر پیشگیری از جرم، عملاً وضعیت نامنسجم و ناهماهنگ را موجب شده است (بابایی، ۱۳۸۸: ۵۶).

## ۲. پیشگیری وضعی فن آورانه

پیشرفت‌هایی که در زمینه فن آوری اطلاعات در سال‌های اخیر وجود داشته است، می‌تواند معرف نسل جدید مدل‌های پیشگیری وضعی باشد. در این رویکرد با استفاده از امکانات علمی، مدرن و نرم افزارهای مربوطه، سعی می‌شود تا موقعیت‌های ارتکاب جرم کاهش یابد و تکنولوژی در خدمت به پیشگیری به کار گرفته شود. ابزارهای مجهز به فن آوری اطلاعات در این نوع پیشگیری می‌تواند به پیشگیری از جرم ارتشا نیز کمک شایانی نماید.

## ۱.۲. دشوار کردن ارتکاب جرم

یکی از تکنیک‌های پیشگیری وضعی، دشوار کردن یا افزایش دشواری ارتکاب جرم است که معمولاً از طریق دشوار سازی دسترسی به سیبل یا آماج بالقوه جرم، فرصت زدایی و کنترل

ابزار ارتکاب جرم، محقق می‌شود (ابراهیمی، همان: ۱۰۰ و نجفی ابرند آبادی، همان: ۵۸۱). به عبارت دیگر در این روش به دنبال این هستیم تا با ایجاد موانعی مرحله گذار از اندیشه به فعل مجرمانه را دشوار و در صورت امکان غیرممکن سازیم تا از این طریق مرتکب با ملاحظه دشواری‌ها و مشکلات ارتکاب جرم، تمایل خود را به ارتکاب از دست بدهد.

در کنوانسیون مریدا، می‌توان مصادیقی از این تکنیک پیشگیری وضعی را در مورد جرایم فساد مالی و ارتشا ملاحظه نمود. بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون درخواست نموده هر کشور عضو تلاش نماید تا در چارچوب نظام حقوقی و سازمانی خود، مقررات یا استانداردهای رفتاری را جهت اجرای صحیح و مناسب عملکردهای دولتی مهیا نماید، در حقیقت ناظر به نوعی کنترل فنی ابزار در اختیار کارگزاران دولتی است تا از طریق آن، رفتارهای مبتنی بر فساد و ارتشا به حداقل برسد. همین‌طور در قسمت‌های «ت» و «ث» بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون مریدا، راهکارها و تکنیک‌هایی جهت دشوار ساختن ارتکاب فساد و ارتشا ارائه شده است. در قسمت «ت» بند مذکور، پیشنهاد شده تا کشورهای عضو، نظام سیستمی را ایجاد کنند تا از طریق آن، اطمینان حاصل شود که راهکارهای مقابله با نقض قواعد و تشریفات مقرر قانونی، مد نظر قرار گرفته و اجرا می‌شود. قسمت «ث» این بند هم پیش‌بینی نموده است تا در صورت لزوم، اقداماتی جهت تنظیم مسایل مربوط به فرد مسئول کارپردازی مثل اعلام سود در کارپردازی‌های دولتی ویژه، بررسی مراحل کاری و نیازهای آموزشی انجام گردد. ماده ۱۰ کنوانسیون نیز ضمن توصیه به دولت‌های عضو در شفافیت اقدامات و فعالیت‌ها در بخش‌های دولتی، برخی راهکارها را جهت رسیدن به این موضوع و تدارک پیشگیری وضعی از فساد مالی از جمله تسهیل تشریفات اداری و انتشار اطلاعات و گزارش‌های دوره‌ای در خصوص خطرات فساد در مدیریت دولتی و اقداماتی نظیر آن را گوشزد می‌نماید. با شفافیت تشریفات اداری، به طور طبیعی از ارتکاب جرایم فساد مالی که گاه ناشی از تشریفات پیچیده و مبهم اداری است، پیشگیری به عمل می‌آید.

در حقوق داخلی مانند بندهای «ب» و «ج» ماده ۸ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، دشوار سازی ارتکاب جرم از طریق دشوار ساختن دسترسی به سبیل جرم یا بزه‌دیده بالقوه مد نظر قرار گرفته است. برای نمونه فرآیندهای اداری از جمله ثبت شرکتها و واحدهای تولیدی و اخذ مجوزهای مراحل مختلف صادرات و واردات و اموری که به طور کلی انجام آن به چند سازمان مربوط می‌گردد، باید با ایجاد و راه اندازی فرآیندهای مرتبط و مکانیزه به گونه‌ای انجام گردد که نیاز مراجعه اشخاص به ادارات مورد نظر را به حداقل برساند. به عنوان نمونه فرایند ثبت شرکتها که اخیرا در کشور از طریق سایت اینترنتی سازمان ثبت اسناد و املاک صورت می‌پذیرد و یا ارتباط آنلاین دفاتر اسناد رسمی با سایت

سازمان ثبت احوال کشور را می‌توان از این دست اقدامات به شمار آورد. نحوه انجام معاملات بزرگ مندرج در قانون مناقصات که از طریق گشایش اعتبار ریالی از طریق نظام بانکی قابل انجام خواهد بود. از این روی علاوه بر کاهش مراجعات غیر ضروری اشخاص به ادارات و سازمانهای دولتی، مهم‌تر از آن، محدود بودن قلمروی مداخله دولت در حوزه اقتصاد و تداوم خصوصی‌سازی می‌تواند تا حد زیادی زمینه ظهور فساد مالی و اقتصادی را از بین ببرد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۲: ۱۱۷۸)، در نتیجه، با استفاده از فن آوری اطلاعات، می‌توان به فرصت‌زدایی در این موارد پرداخت و با تغییر ماهیت محیط ارتکاب جرم و ارایه خدمات دولتی و اداری از طریق شبکه‌های رایانه‌ای، از مواجهه کارمندان با اشخاص و ایجاد فرصت احتمالی ارتکاب جرم، جلوگیری نمود (خانعلی پور واجارگاه، ۱۳۹۰: ۱۱۸). ولی تأکید به این امر ضروری است که اجرای عملی و صحیح این تکنیک‌ها فراتر از قانون‌نویسی صرف، زمینه دست‌یابی به نتایج مطلوب را ایجاد خواهد کرد. همچنین قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، برخی مصادیق و راهکارهایی را در خود گنجانده که می‌توان آنها را به مثابه تکنیک‌های پیشگیری وضعی از فساد مالی و ارتشا تفسیر نمود. بند «و» ماده ۴۶ این قانون، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را مکلف به ایجاد پایگاه‌های حقوقی املاک و یا الکترونیکی نمودن کلیه مراحل نقل و انتقال و همچنین پایگاه امور اطلاعات شرکتها و سامانه الکترونیکی امن معاملات املاک و مستغلات در سطح کشور نموده است که اجرای صحیح این تدابیر، گامی در جهت دشوار سازی ارتکاب جرایم فساد مالی و ارتشا از طریق دشوار و محدود کردن رویارویی آماج بالقوه جرم با مرتکبین بالقوه و کنترل ابزار ارتکاب جرم می‌باشد. در همین راستا، شاهد اجرای سیستم آنلاین و مکانیزه‌ای جهت ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی کشور هستیم که شرایط خاص آن زمینه سوء استفاده و تغییر در اسناد را به وسیله دشوار کردن ارتکاب آن رفتار در این سیستم، کاهش می‌دهد. بند «د» ماده ۸۲ قانون فوق‌الذکر با عبارت «تمامی معاملات و قراردادهای خارجی که بیش از یک میلیون دلار باشد، با رعایت قوانین مربوط شامل قانون ... تنها از طریق مناقصه محدود و یا بین المللی با درج آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار و رسانه‌های الکترونیکی داخلی و خارجی انجام و منعقد می‌شود...» در کلیه مناقصه‌ها، حق کنترل و بازرسی کمی و کیفی و کنترل قیمت برای کلیه کالاهای وارداتی و پروژه‌ها برای خریدار محفوظ است...» در حقیقت اقدامات احتمالی برخی مسئولین در جهت تبانی با طرف‌های قراردادهای خارجی از طریق ارتشا را دشوار ساخته است. بنابراین اجرای طرح دولت الکترونیک و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در شفافیت فرایندها و تصمیم‌گیری‌ها (آقابابایی، ۱۳۸۸: ۲۵) عامل وضعی پیشگیری از فساد تلقی می‌شود.

## ۲.۲. بالا بردن خطر شناسایی جرم

در این تکنیک پیشگیری وضعی، به بزهکار بالقوه اعلام می‌شود که در صورت تبدیل اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه، مشاهده، کنترل و دستگیر خواهد شد (ابراهیمی، همان: ۱۰۲). به عبارت دیگر در این روش، با اعمال نظارت بر برخی رفتارها و ایجاد رویت‌پذیری و ردیابی رفتارهای مجرمانه به کمک ابزار مجهز به فن آوری اطلاعات (خانعلی‌پور و اجارگاه، همان: ۹۱)، افراد دارای تمایلات مجرمانه احساس خطر نسبت به شناسایی و شرم‌ساری را درک نموده و تمایل به ارتکاب جرم در آنها کاهش می‌یابد. حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرایم اقتصادی و از جمله ارتشا، از طریق سیستم‌های پولی و بانکی می‌تواند به جریان افتد. نظارت و کنترل مؤسسات مربوطه می‌تواند یکی از عوامل و روش‌های مهم پیشگیری محسوب گردد (شمس‌ناتری و توسلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۲). همچنین کنترل و نظارت بر موقعیت‌هایی که احتمال ارتکاب جرم ارتشا در آنها وجود دارد، به عنوان یکی از تکنیک‌های پیشگیری وضعی و بالا بردن خطر شناسایی و دستگیری بزهکار (نجفی‌ابرناد، همان: ۵۸۱). از طریق کنترل و نظارت و کاهش سود و منافع احتمالی، به عنوان تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرایم مبتنی بر فساد مالی و ارتشا، مهم و قابل‌توجه هستند.

بند ۴ ماده ۸ کنوانسیون مریدا که طی آن کشورهای عضو را بر آن داشته تا اقدامات و نظام‌هایی را جهت تسهیل گزارش دهی فساد به مراجع مربوط توسط مقامات دولتی پیش-بینی کنند تا در مواقعی که به چنین اعمالی در حال اجرای وظایف خود بر خورد می‌کنند، آنها را گزارش و اعلام کنند، می‌تواند یکی از مصادیق همین ساز و کار نظارت و کنترل محسوب گردد تا از طریق اعمال اصل شفافیت، ترس مرتکب از افشای جرم و دستگیری، عاملی جهت صرف‌نظر کردن از ارتکاب جرم و تغییر وضعیت پیش‌جنایی باشد (جعفری، ۱۳۸۸: ۲۲۸). مدلول بند ۶ ماده ۸ و قسمت‌های مختلف بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون، مصادیق مختلف دیگری از کنترل و نظارت شامل توزیع عمومی اطلاعات درباره تشریفات قراردادها و مناقصات و... را پیش‌بینی نموده است.

بالا بردن خطر شناسایی مرتکبین، در سیاست جنایی تقنینی ایران نیز مغفول نمانده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۹، دولت را موظف نموده است تا ثروت‌های نامشروع ناشی از رشوه را گرفته و به صاحب حق رد کند. ماده ۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ نیز، تمامی وزارتخانه‌ها، سازمانها و شرکتها و دستگاههای دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها را موظف نموده تا در اجرای این قانون سوابق مربوط به همه وزراء، معاونان، مدیران کل وزارتخانه‌ها و سایر مقامات ذی نفوذ مقرر در این ماده را بررسی نموده و هرگاه به موارد

مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی برخوردار نمایند، موضوع را در محاکم صالحه طرح نمایند. این روش، خطر شناسایی و دستگیری مرتکبین را از طریق کنترل و نظارت افزایش می‌دهد ولی باید توجه داشت که هدف پیشگیری نباید کاربرد هر وسیله یا اقدامی را توجیه نماید و بهانه‌ای جهت توسل به مقررات خاص و فوق‌العاده گردد (نجفی ابرند آبادی، همان: ۵۶۷). بلکه باید همانطور که در اصل ۴۹ قانون اساسی نیز ذکر گردیده، کلیه این مسایل با رعایت اصول قانونی و قضایی و رعایت حقوق و آزادی‌های افراد صورت پذیرد. این قبیل اقدامات که نوعی نظارت و کنترل قانون مند محسوب می‌شود، خطر شناسایی جرم را افزایش داده و نتیجه کاهش این نوع جرایم را به دنبال دارد.

اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری، تشکیل سازمانی زیر نظر ریاست قوه قضائیه بنام «سازمان بازرسی کل کشور» را پیش‌بینی می‌نماید. سپس قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ به تصویب می‌رسد، که در ماده ۱ آن و در بیان هدف تأسیس این سازمان، نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری را مطرح می‌سازد. ماده ۲ این قانون نیز بطور صریح و شفاف به بیان وظایف سازمان در بازرسی مستمر کلیه دستگاهها و سازمان‌های دولتی و عمومی و اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریانات اداری و مالی به رئیس جمهور و وزیر ذی ربط پرداخته است. وجود این سازمان و اجرای صحیح وظایف محوله به آن، می‌تواند در جهت نظارت و کنترل در دستگاهها و سازمان‌های دولتی و از جمله پیشگیری وضعی از فساد مالی و ارتشا از طریق افزایش خطر شناسایی جرم، موثر و مفید واقع شود.

در راستای سیاست نظارت بر جریان های اقتصادی و اولویت دادن به پیشگیری از جرایم مبتنی بر فساد مالی و ارتشا و در راستای تحقق بخشیدن به اهداف مورد نظر کنوانسیون مریدا، هیاتی به نام هیئت تشخیص در ماده ۶ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد پیش‌بینی شده است که نحوه فعالیت آن در آیین نامه اجرایی تبصره ۴ ماده ۶ قانون مذکور مصوب ۱۳۹۲/۴/۲۵ ریاست قوه قضائیه، نشان دهنده نوعی نظارت خارج و پیش از مرحله دخالت قوه قضائیه در این فرایند می‌باشد، با اعمال و همچنین نگهداری سوابق محرومیت های اشخاص، به طور غیر مستقیم در امر پیشگیری وضعی از طریق بالا بردن خطر شناسایی جرم تاثیر دارد. همچنین بند «الف» ماده ۹ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، وظیفه اعمال نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی و انعکاس هرگونه سوء جریان را به همراه پیشنهادها و اصلاحی به مراجع ذی ربط، بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار داده است. ماده ۱۱ قانون مورد بحث نیز ضمن اهمیت

دادن به پیشگیری از جرایم و مبارزه با مفاسد اقتصادی توسط قوه قضائیه، در بند «ج» لزوم ایجاد پایگاه اطلاعات مدیریت پرونده‌های مطروحه در دستگاه قضایی را جهت ارائه نسخه الکترونیکی از پرونده‌ها و نوبت دهی رسیدگی و ثبت‌نامه‌های وارده و لوایح ارسالی و... پیش بینی نموده است تا از این طریق بوسیله نظارت مستمر، خطر شناسایی ارتکاب جرایم احتمالی را بالا ببرد. اخیراً هیات وزیران در آیین نامه اجرایی ماده ۲۶ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴، موضوع تشویق اشخاصی که در راه اندازی کامل پایگاه اطلاعاتی مکانیزه تلاش فوق‌العاده‌ای داشته باشند را تصویب نموده است. ماده ۱۵ قانون نیز، مقامات، مدیران و سرپرستان مستقیم هر واحد در سازمانهای دولتی را به تناسب مسئولیت خود، موظف به نظارت بر واحدهای تحت سرپرستی و پیشگیری و مقابله با فساد اداری و شناسایی موارد آن و اعلام به مراجع ذی صلاح دانسته، هر چند در عمل کیفیت و ابزارهای این نظارت و پیشگیری از فساد مشخص نشده و با توجه به تخصصی بودن بحث پیشگیری، به خصوص در جرایم اقتصادی و مالی، صرف چند متن قانونی به تنهایی نمی تواند مثمر ثمر واقع گردد. با توجه به طبع جرایم مبتنی بر فساد مالی و اقتصادی نظیر ارتشا، به خصوص در مباحث مالیاتی و گمرکی که طرفین جرم از عدم کشف آن منتفع می شوند و با عنایت به لزوم روشن و شفاف سازی محیط‌های تاریک و مساعد برای رشد فساد مالی (مهدوی پور، ۱۳۹۲: ۵۳۴). به نظر می‌رسد متون قانونی یاد شده، بدون یک نهاد خاص به عنوان متولی بحث پیشگیری، نتایج رضایت بخشی را به ارمغان نخواهد آورد.

پیچیدگی زیاد در تشریفات اداری و عدم وجود شفافیت می تواند زمینه ارتکاب فساد مالی را افزایش دهد (لانگست، همان: ۳۵۶ و بهره‌مند، ۱۳۸۷: ۳۵). بنابراین لزوم شفاف سازی از لحاظ اقتصادی، یعنی اطلاع رسانی واقعی و کامل در عرصه فعالیت‌ها و ساز و کارهای حاکم بر روابط اقتصادی (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۰) از طریق ابزارهای ارتباطی نوین، می تواند به عنوان یک تکنیک پیشگیری وضعی فن آورانه محسوب گردد. در همین راستا، در قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز مواردی در هماهنگی با کنوانسیون مریدا در راستای پیشگیری از فساد مالی و ارتشا به چشم می خورد. به عنوان نمونه بند «د» ماده ۹۷ این قانون، شورای پول و اعتبار را موظف نموده تا اقدامات لازم را جهت اصلاح ساختار بانک مرکزی در جهت تقویت نظارت بر نهادهای پولی و مالی به منظور تحقق اهداف کلان اقتصادی کشور و همین طور افزایش شفافیت و رقابت سالم در ارائه خدمات بانکی از طریق الزام بانک ها به رعایت استانداردهای تعیین شده توسط بانک مرکزی در ارائه گزارش‌های مالی و اطلاع رسانی مبادلات مشکوک و راه اندازی سامانه

نظارتی قوی جهت شناسایی فعالیت‌های غیر متعارف بانک‌ها را تحقق بخشد. بند ۴ قسمت «ک» ماده ۲۱۱ قانون نیز نظارت مستمر بر پرونده‌های قضایی و اعلام تخلفات احتمالی را پیش‌بینی کرده و ماده ۲۲۱ قانون نیز نهادی به عنوان شورای دستگاه‌های نظارتی را پیش‌بینی نموده است.

### نتیجه‌گیری

یکی از مفیدترین و کم هزینه‌ترین راه‌های کاهش نرخ جرایم، به خصوص فساد مالی و ارتشا، توسل به رویکرد پیشگیرانه در سیاست جنایی کشورها می‌باشد. پیشگیری وضعی به عنوان یکی از راهکارهای مبتنی بر حذف یا کاهش موقعیت‌های جرم‌زا و دور نگه داشتن گروه‌های خطرناک از موقعیت‌های مجرمانه در جرایم فساد مالی و ارتشا دارای اهمیت بسزایی است. اهمیت این موضوع از توجه در مصادیق مختلف مورد توجه در کنوانسیون مریدا به خوبی پیداست. قانونگذار ایران نیز از گذشته تا بحال، اقداماتی را در زمینه مبارزه با ارتشا به عمل آورده است ولی به نظر می‌رسد که گرایش غالب در اقدامات مذکور با رویکرد سرکوبگرانه شکل می‌گیرند و به نسبت، پیشگیری غیر کیفری و به خصوص پیشگیری وضعی مورد توجه قرار نگرفته است. در مواردی نیز که تکنیک‌ها و روش‌های پیشگیری وضعی از متون قانونی استنباط می‌شود، فقدان نهاد خاص و فنی در موضوع پیشگیری، به روند کند اثرگذاری پیشگیری وضعی دامن می‌زند، هرچند اخیراً شاهد تصویب آیین‌نامه مرجع ملی و نهاد هماهنگی کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در هیئت وزیران بوده ایم، ولی به نظر نمی‌رسد شیوه مطرح در این آیین‌نامه کافی به مقصود باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد بتوان با تصویب یک قانون جامع و مانع در خصوص پیشگیری از جرم بر مبنای اصول فنی و تخصصی و با رعایت موازین حقوق بشری، کلیه تکنیک‌های پیشگیری وضعی را نیز در این قانون پیش‌بینی و از متون پراکنده قانونی که بعضاً متروک به نظر می‌رسد، پرهیز نمود. وضعیتی که با تصویب لایحه پیشگیری از جرم که هم‌اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال بررسی است، می‌تواند تا حدودی بهبود یابد.

افزایش محتوای قانونی و اقدامات عملی در زمینه آگاه‌سازی افراد از ساز و کارهای اداری، ایجاد نظارت و کنترل دقیق رفتار کارکنان و کارگزاران دولتی و عمومی، شفاف‌سازی محیط‌های مالی و اقتصادی و طراحی سیستم‌های الکترونیکی خاص و به روز جهت کاهش مراجعه اشخاص به ادارات و سازمان‌های مختلف و ارائه فرمول‌های دقیق و غیر قابل تفسیر به خصوص در موضوعات مالیاتی، گمرکی و صادرات و واردات، می‌توانند به عنوان تکنیک‌های مؤثر در پیشگیری وضعی از فساد مالی و ارتشا مد نظر قرار گیرند. این در حالی است



که در کنوانسیون مریدا نیز گرایشی حداقلی به حقوق کیفری استنباط می‌شود و محور این کنوانسیون به توسعه رویکرد پیشگیری بنا شده است. با وجود این کنوانسیون مریدا صرفاً پیشگیری وضعی را به عنوان بهرتریت و تنها گزینه برای پیشگیری از جرم ارتشا معرفی نکرده است. زیرا این گزینه چنانچه مبتنی بر مدیریت خطرمدار و امنیت محور باشد، علل اصلی ارتکاب جرم ارتشا را به فراموشی می‌سپارد.

## منابع و مأخذ:

۱. آقابابایی، حسین (۱۳۸۸)، **توانمندسازی عمومی و پیشگیری اجتماعی از فساد اقتصادی**، مجموعه مقالات همایش ملی علمی-کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
۲. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، **جرم‌شناسی پیشگیری**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۳. بابایی، محمدعلی (۱۳۸۸)، **ارزیابی برنامه عملی پیشگیری از جرم**، مجموعه مقالات همایش ملی علمی-کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
۴. باقرزاده، احد (۱۳۸۸)، **پولشویی در حقوق ایران و انگلستان واسناد بین المللی**، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۵. توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۲)، **پیشگیری از جرایم اقتصادی**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل‌جاودانه.
۶. جعفری، امین (۱۳۸۸)، **جایگاه شفافیت تجاری در حقوق کیفری اقتصادی در فرانسه**، مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی (دایره المعارف علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان، صص ۲۳۳-۲۱۹.
۷. حسینی، سید حسین (۱۳۸۳)، «نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۶، صص ۱۴۶-۱۲۹.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، **درآمدی بر مدیریت پیشگیری از جرایم اقتصادی**، مجموعه مقالات همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
۹. حسینی، سیدمحمد و بهره‌مند، حمید (۱۳۹۱)، «ارتشای مقام‌های عمومی و دادن رشوه به آنها در آیین قوانین داخلی و کنوانسیون مریدا»، **فصل‌نامه حقوق‌مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۴۲، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۲۷.
۱۰. خانعلی‌پور و اجارگاه، سکینه (۱۳۹۰)، **پیشگیری فنی از جرم**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۱. دادخدایی، لیل (۱۳۹۰)، **فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

۱۲. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (۱۳۸۷)، **رهنمودهای تقنینی جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد**، ترجمه حمید بهره‌مند بگ نظر، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۳. رجب، محمدعلی (۱۳۹۱)، **رشا و ارتشای بخش خصوصی، مطالعه تطبیقی با کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد**، مجموعه مقالات برتر همایش نقش مبارزه با جرایم اقتصادی در جهاد اقتصادی، چاپ اول، تهران: نشر کارگاه.
۱۴. رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۹۲)، «نگاهی بر محدودیت‌ها، موانع و نواقص قانونی کنترل جرایم اقتصادی در ایران»، **دایره‌المعارف علوم جنایی** (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان، صص ۲۱۸-۲۱۳.
۱۵. شمس ناتری، محمد ابراهیم و توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۰)، «پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی»، **فصل‌نامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۴۱، شماره ۴، صص ۲۱۷-۱۹۹.
۱۶. ساکی، محمدرضا (۱۳۹۰)، **حقوق کیفری اقتصادی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل‌جودانه.
۱۷. صفاری، علی (۱۳۸۰)، «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»، **مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی**، شماره ۳۳ و ۳۴، تهران، صص ۳۲۱-۲۶۷.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، **مقدمات ضروری پیشگیری از جرم**، مجموعه مقالات همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
۱۹. فرجیها، محمد و مقدسی، محمد باقر (۱۳۹۲)، «پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی»، **دایره‌المعارف علوم جنایی** (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان، صص ۱۱۹۳-۱۱۷۵.
۲۰. لانگست، پیتر و دیگران (۱۳۸۷)، **برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد**، ترجمه امیر حسین جلالی فراهانی و حمید بهره‌مند بگ نظر، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۱. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۱)، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۲۲. مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۲)، «تعقیب و تحقیق جرم اقتصادی؛ روش‌ها و ویژگی‌ها»، **دایره‌المعارف علوم جنایی** (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان، صص ۵۳۵-۵۱۷.
۲۳. ملازمیان، محمد مسعود (۱۳۸۶)، **سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم اقتصادی**، پایان کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

۲۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۰)، **تقریرات درس جرم شناسی (پیشگیری)**، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، نیمسال اول سال تحصیلی ۸۰ - ۱۳۷۹ به کوشش محمد علی بابایی.

۲۵. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، «پیشگیری عادلانه از جرم»، **علوم جنایی** (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، صص ۵۹۸-۵۵۹.

۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، «کیفر شناسی نو - جرم شناسی نو- (درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطر مدار)»، **مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی (دایره المعارف علوم جنایی)**، کتاب دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان، صص ۷۵۰-۷۱۷.

۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، **از جرم یقه سفیدی تا جرم اقتصادی**، دیباچه در جرایم یقه سفیدی - رویکرد فرصت مدار، مایکل ال. بنسون و سالی اس. سیمپسون، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، چاپ اول، تهران: نشر میزان.